

سیر داستان‌های درونه‌ای در ادبیات فارسی تا پایان قرن نهم

سمیرا بامشکی*

نسیم زحمتکش**

چکیده

«روایت در روایت» یا «داستان درونه‌ای» روایتی است که در روایتی دیگر، که به مثابه چهارچوبی برای آن است، درونه‌گیری شود. با وجود گستردگی آثاری که از این شگرد روایی بهره برده‌اند، هیچ منبعی که فهرستی از این آثار را فراهم کرده باشد در دسترس نیست تا به استناد آن پژوهش‌گران بتوانند گام‌های بعدی را برای شناسایی و بررسی نقش و کارکرد داستان‌های درونه‌ای ادب فارسی بردارند. از این رو پرسش این پژوهش بررسی و بازنمایی سیر داستان‌های درونه‌ای در ادبیات فارسی تا پایان قرن نهم هجری است. روش پژوهش بر بنیان «مدل طبقه‌بندی اسکولز و کلاگ» به مطالعه سیر تاریخی درونه‌گیری‌های روایی پرداخته است. بر بنیان این طبقه‌بندی، میان دو گونه ادبی «تجربی» و «روایت‌مدار» تمایز است. آن گروه از آثار ادبی که در شاخه ادبیات «تجربی» قرار می‌گیرند، از این پژوهش خارج‌اند. در مقابل، این پژوهش به شاخه ادبی «روایت‌مدار» می‌پردازد. نتایج به دست آمده با توجه به بررسی‌های انجام‌شده عبارت است از این‌که دامنه کاربرد این شیوه روایی در ادبیات فارسی چنان گسترده است که پیوستاری از متون داستانی منثور عامیانه تا آثار منظوم عرفانی و تعلیمی را دربر می‌گیرد. شگرد داستان درونه‌ای در طیف گسترده‌ای از ژانرهای گوناگون حضور دارد؛ از گونه‌های تعلیمی گرفته تا گونه‌های روایت‌مدار. هم‌چنین با توجه به نقشی که داستان درونه‌ای در پیش‌برد پیرنگ دارد انواع سه‌گانه داستان درونه‌ای کشف شد: ابزاری، شالوده‌ای، و ترکیبی.

کلیدواژه‌ها: داستان درونه‌ای، روایت در روایت، روایت‌مدار، اسکولز و کلاگ.

* استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول) samira_bameshki@yahoo.com

** کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد nasim_violet@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۱

۱. مقدمه

«روایت در روایت» یا «داستان درونه‌ای» در ساده‌ترین تعریف خود روایتی است که درون روایتی دیگر قرار گیرد؛ به طوری که آن روایت به مثابه چهارچوب و قابی برای روایت درونه‌ای باشد (Prince, 2003: 25). در بین شاخه‌های گوناگون و زمینه‌های متعددی که دانش روایت‌شناسی در دهه‌های گذشته مورد مطالعه قرار داده، بررسی این شگرد روایی و نیز جست‌وجوی نمونه‌ها و استخراج مدل‌های متنوع آن بخت کم‌تری برای طرح و پژوهش در حوزه ادبیات فارسی و در بین پژوهش‌گران ایرانی داشته است. این در حالی است که کاربرد شیوه داستان در داستان در ادبیات روایت‌مدار فارسی بسیار گسترده و متنوع است. اما در بین متون فارسی دارای این ویژگی روایی، هزار و یک شب بیش‌ترین بخت را در ترغیب پژوهش‌گران به انجام مطالعاتی با چنین رویکردی داشته است. این خوش‌اقبالی از آن جا برمی‌خیزد که *الف لیله و لیلہ* به عنوان تحریر عربی این داستان، توجه بی‌بدیلی شوق‌شناسان را چنان به خود جلب کرد که بی‌درنگ ترجمه‌های گوناگونی از آن به زبان‌های گوناگون انجام شد. این شناخت و علاقه‌مندی همگانی نگره‌پردازان را متوجه ضرورت بررسی ساختار جذاب روایی این اثر کرد. با این حال بر خلاف باور عمومی، *هزار و یک شب* فقط متنی فارسی نیست که ساختار معنایی و فرمی آن بر بنیان درونه‌گیری قرار دارد. دامنه کاربرد این شیوه روایی در ادبیات فارسی چنان گسترده است که پیوستاری از متون داستانی مشور عامیانه تا آثار منظوم عرفانی و تعلیمی را دربر می‌گیرد. حلقه اتصال این آثار متنوع و متفاوت در ساختار متکثر نقل حکایت‌های درونه‌ای نهفته است. با وجود گستردگی آثاری که از این شگرد روایی بهره برده‌اند، هیچ منبعی که فهرستی از این آثار را فراهم کرده باشد در دسترس نیست تا به استناد آن پژوهش‌گران بتوانند گام‌های بعدی را برای شناسایی و بررسی نقش و کارکرد داستان‌های درونه‌ای ادب فارسی بردارند.

پرسش اصلی این پژوهش بررسی و بازنمایی سیر داستان‌های درونه‌ای در ادبیات است. دشواری این پژوهش برخاسته از فراوانی کاربرد داستان و داستان‌های تمثیلی در شاخه‌ها و گونه‌های متنوع ادبیات فارسی و اشتیاق همیشگی شعرا، نویسندگان و اندیشمندان ایرانی به داستان‌پردازی است.

۲. پیشینه تحقیق

همان‌طور که اشاره شد، در زمینه درونه‌گیری، آثاری که مستقیماً مرتبط یا مشابه با موضوع پژوهش حاضر باشد در دست نیست. درونه‌گیری روایی در ادب فارسی به

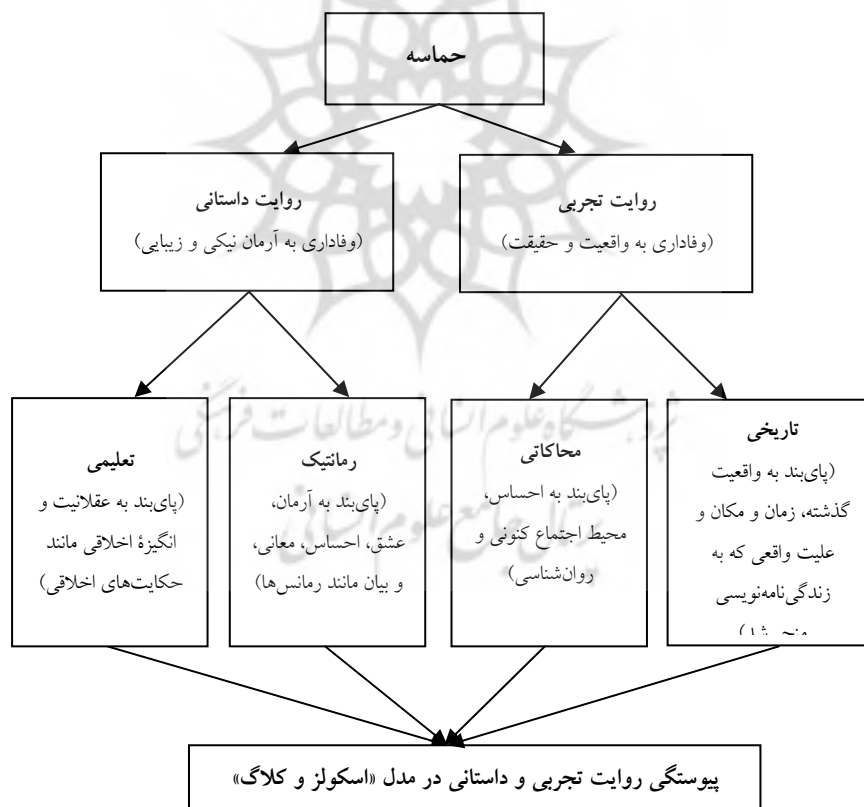
عنوان موضوع این پژوهش، شناسایی و بررسی نشده است، نه از آن رو که پدیده ادبی تعریف شده‌ای در مطالعات و ارزیابی‌های ادبی به شمار می‌رود، بلکه از آن جهت که نه فقط به عنوان زیرگونه‌ای از ژانر روایی، هستی‌مندی پذیرفته شده‌ای ندارد که حتی به عنوان شگردی روایی نیز به‌ندرت مورد مطالعه قرار گرفته است؛ شگردی که جای پای آن از کهن‌ترین نمونه‌های موجود روایت‌گری شفاهی تا رمان‌های مدرن و پسامدرن امروزی کشیده شده، به گونه‌ای که می‌توان دیرینگی و دیرپایی آن را با دیرینگی و دیرپایی خود «روایت» یکی دانست. هدف این پژوهش پی‌گیری نقش‌آفرینی این شگرد در گونه ادبی روایت‌مدار فارسی از آغاز تا پایان قرن نهم هجری است. منظور از ژانر روایت‌مدار «تمام انواعی است که روایت، هسته، و شالوده آن‌ها را تشکیل داده و سایر عناصر متن را در حاشیه قرار می‌دهد. ویژگی روایت ادبی بر ساخته بودن آن است؛ یعنی متکی به طرح بوده و از پیش‌اندیشیده است» (زرقانی، ۱۳۸۸: ۴۴۳).

دامنه وسیع آثار روایی و در دست نبودن کتاب‌شناسی‌ای جامع درباره شگرد درونه‌ای، ضرورت پی‌گیری سیر این شگرد را در گستره ادب فارسی مطرح ساخت. بازه زمانی این پی‌جویی تاریخی را از نخستین آثار روایی فارسی تا آخرین آثار قرن نهم هجری قرار داده‌ایم. تلاش کرده‌ایم تا حد امکان آثار مربوط به گونه ادبی روایت‌مدار را بررسی کنیم و «فهرستی» از متونی که در آن‌ها درونه‌گیری، به مثابه تمهیدی ادبی و هنری به کار رفته است، تهیه کنیم.

۳. روش پژوهش

فراوانی تولیدات ادبی در دوره مورد مطالعه از سویی، و در دسترس نبودن بسیاری از آثار از سوی دیگر، بررسی همه نمونه‌های ممکن را دشوار و در حقیقت غیرممکن می‌کند. با این حال، تلاش کرده‌ایم بر اساس «مدل طبقه‌بندی اسکولز و کلاگ» نگاهی کوتاه به سیر تاریخی درونه‌گیری‌های روایی بیندازیم و با آوردن نمونه‌هایی از هر اثر، شمایی کلی از داستان در داستان‌های ادبیات فارسی ارائه کنیم. نکته مهم لزوم محدود کردن حوزه مطالعاتی این پژوهش است؛ زیرا همان‌طور که اشاره شد، روایت‌گری در همه حوزه‌های معرفتی به مثابه ابزاری برای تبیین بهتر مطالب و ایجاد جذابیت و کشش به کار رفته است. آنچه ما را در محدود کردن دایره آثار و گونه‌های ادبی یاری می‌کند تمایزی است که برخی پژوهش‌گران بین دو گونه ادبی «تجربی» و «روایت‌مدار» قائل شده‌اند.

نگره‌پردازانی مانند اسکولز و کلاگ با وام گرفتن از روش‌های فرای، به تبیین نظام طبقه‌بندی او پرداختند. از نظر ایشان، متون «تجربی» و «داستانی» متمایز از یک‌دیگر و مربوط به دو گونه متفاوت ادبی‌اند. به بیان دیگر، از درخت حماسه، که داستان زائیده آن است، دو شاخه مستقل رشد کرد: شاخه ادبیات داستانی (fictional) و شاخه ادبیات تجربی (empirical). در شاخه تجربی، «میتوس» (mythos) (قصه یا اسطوره‌ای که نوعی فهم از حقیقت جهان را بیان کند) حذف شده و جای آن را واقعیت یا ایده‌آل گرفته است (ایرانی، ۱۳۸۰: ۱۰۱)؛ این شاخه خود به دو گونه تقسیم می‌شود: «تاریخی» (مانند تاریخ‌نگاری و زندگی‌نامه‌نویسی)، و «محاکاتی» (مانند زندگی‌نامه خودنوشت). شاخه «روایت‌مدار» نیز به دو گونه تقسیم می‌شود: گونه «رماتیک» یا آثاری که تکانه‌ای زیبایی‌شناختی به آن‌ها شکل داده است، و گونه «پندآموز» که حاصل تکانه‌ای فکری یا اخلاقی است (دوبرو، ۱۳۸۹: ۱۳۹). برای روشن‌تر کردن این طبقه‌بندی مدل آن را ارائه می‌دهیم.



(به نقل از زرقانی، ۱۳۹۰: ۱۲۰)

با رویکردی به ادبیات فارسی، می‌توان آن‌چه را اسکولز و کلاگ از آن با نام شاخه «تاریخی» یاد می‌کنند، به تاریخ‌نگاری‌های نویسندگان ایرانی به‌ویژه در عصر مغول و نیز سنت تذکره‌نویسی و مقامه‌نویسی مربوط دانست. در شاخه محاکاتی که شامل انواعی مانند نمایش‌نامه‌نویسی، سفرنامه‌نویسی، نامه‌نگاری یا نوشتن زندگی‌نامه شخصی می‌شود، ادبیات دوره مورد نظر ما نمونه‌های چندانی ندارد. اما در گونه «روایت‌مدار» یعنی درست همان جایی که پژوهش ما شکل می‌گیرد، با هر دو زیرگونه طرح‌شده، به شکلی آمیخته روبه‌رویم؛ زیرا نویسندگان و شاعران ایرانی این عهد ذوق زیبایی‌شناختی و تفکر حکمی و استعلایی را همراه با هم و در کنار هم می‌پسندیدند.

آن‌چه در این قسمت اهمیت ویژه‌ای دارد، اساس قرار دادن تمایزی است که رابرت اسکولز و رابرت کلاگ در مدل پیش‌نهادی خود میان زیرگونه‌های ژانر ادبی روایت‌مدار قائل شده‌اند. بر بنیان این طبقه‌بندی، آن گروه از آثار ادبی که در شاخه ادبیات «تجربی» قرار می‌گیرند، از مرزهای پژوهش ما خارج‌اند. به بیان دیگر تذکره‌ها، مقامه‌نویسی‌ها، سفرنامه‌ها، مکاتیب، و تاریخ‌نگاری‌ها در قلمرو این مطالعه نمی‌گنجند. در مقابل، این پژوهش به شاخه ادبی «روایت‌مدار» می‌پردازد که منظومه‌های داستانی و نیز شمار زیادی از متون حکمی، اخلاقی، و عرفانی را دربر می‌گیرد که از تمثیل‌های داستانی سود جستند. با وجود آن‌که طبقه‌بندی اسکولز و کلاگ بسیاری از زیرگونه‌های ادبی را که به شاخه «تجربی» تعلق دارند از دایره چنین پژوهشی خارج می‌کند، کاربرد فراوان تمثیل‌های داستانی در آثار فارسی و اقبال و اشتیاق شاعران و نویسندگان به داستان‌گویی به عنوان ابزاری القایی / هنری، هم‌چنان احتمالات فراوانی را در باب کاربرد و میزان درونه‌گیری درباره‌ی تک‌تک متون روایت‌مدار فارسی پیش روی می‌گذارد. هدف این کار بازنمایی سیر این گونه داستان‌ها در بازه زمانی مقرر است. گستردگی و تنوع آثار و نیز در دسترس نبودن بسیاری از نمونه‌ها ادعای مطالعه و معرفی همه آثار موجود را اغراق‌آمیز می‌کند.

پس از مطالعه آثار مورد نظر، بر اساس طبقه‌بندی و تحلیل شیوه کاربرد درونه‌گیری در متون معرفی‌شده، الگویی را طرح کرده‌ایم که آثار را در سه گروه اصلی درونه‌گیری‌های «ابزاری»، «شالوده‌ای»، و «ترکیبی» قرار می‌دهد. در هر یک از این گروه‌ها نیز آثار با توجه به زمان تألیف در دسته‌های کوچک‌تری جای گرفته‌اند. گفتنی است که طراحی این الگوی سه‌گانه از دل خود آثار روایی مورد مطالعه در این بازه زمانی استخراج شده است، یعنی پس از مطالعه حجم بسیار زیادی از متون و گردآوری متونی که این شگرد روایی را به کار گرفته بودند، به طبقه‌بندی داده‌ها پرداختیم که حاصل آن کشف انواع سه‌گانه درونه‌ای است.

۴. روایت‌گری ایرانی و درونه‌گیری

گفتنی است که در چنین پژوهشی نمی‌توان همه آثار روایی ادبیات فارسی را بررسی کرد؛ زیرا اندیشمندان و نگره‌پردازان تربیتی و عرفانی ایران به همان اندازه به داستان‌گویی اقبال نشان داده‌اند که روایت‌گران این سرزمین. اصولاً نمی‌توان تمایز مشخصی بین این دو گروه و این دو تلقی از ادبیات قائل شد. هدف این پژوهش نشان دادن این دو شاخه تاریخ ادبی ایران نیست، هم‌چنین جدا پنداشتن این دو نیز، به عنوان دو سنت متمایز، منطقی و علمی به نظر نمی‌رسد. در حقیقت این دو شیوه چنان در هم تنیده‌اند و چنان از یک‌دیگر تأثیر پذیرفته‌اند که در برخی آثار، دوره‌ها، و ژانرها به‌راستی بازشناسی آن‌ها از یک‌دیگر دشوار و اصولاً تلاشی بیهوده است. هدف این است که نشان دهیم چگونه داستان‌گویی در بین طیف‌های گوناگون مردم و نیز در دوره‌های مختلف رواج داشته و مورد استقبال قرار گرفته است؟ و این اشتیاق چگونه داستان‌پردازان را به کاربرد تمهیدات و شگردهای ادبی، به‌ویژه درونه‌گیری به عنوان موضوع این مطالعه، برانگیخته است؟

پیرامون استفاده از تمهیدات روایی برای جذب مخاطبان، افزودن بر قدرت و نفوذ کلام و نیز گسترش و عمومیت یافتن روایت و روایت‌گری به‌ویژه از طریق آفرینش تمثیل‌های جذاب و مؤثر باید به نقش صوفیه اشاره کرد. چنان‌که فراوانی کاربرد حکایت و داستان تمثیلی از ویژگی‌های اصلی متون صوفیانه است که صبغهای تخیلی به زبان می‌بخشد، موجب تحرک و پویایی متن، و جانشین استدلال‌های عقلی و منطقی می‌شود (غلامرضایی، ۱۳۸۸: ۴۸۹). هم‌چنین می‌توان فراوانی داستان تمثیلی در متون عارفانه و نیز ادبیات مردم‌پسند را متأثر از شیوه واعظان و مجلس‌گویان دانست (توکلی، ۱۳۸۹: ۲۶۶). یکی از برایندهای این ویژگی تداعی‌گری استفاده از تمهید درونه‌گیری است؛ زیرا در جریان تداعی، هر قصه‌ای می‌تواند پیش از پایان یافتن، قصه‌ای دیگر را به ذهن آورد؛ پس مجلس‌گو باید از جریان سیال قصه‌ها در ذهن خویش آگاه باشد و آن‌ها را همان‌گونه که یک به یک گشوده و طرح کرده است به سرانجام برساند.

گونه روایت‌مدار در تاریخ ادبی کهن سرزمین ما گونه‌ای مستقل به‌شمار نیامده و همواره غایتی معناگرا بر آن حکم رانده است، اما اغلب شاعران و نویسندگان داستان‌پرداز با زیرکی و مهارت کوشیده‌اند ضمن پیروی از سنت‌های زمان و القای درون‌مایه‌های غالب اخلاقی و تعلیمی، مخاطبان خویش را بر سر شوق آورند. درونه‌گیری یکی از شگردهای آزموده جذب مخاطب است. شگردی که مانند طلسم روایت‌نویس را پا به پای خویش به اعماق روایت فرو می‌برد و لذتی بی‌بدیل و اعجازگونه به او می‌چشاند.

در این جستار به سیر تاریخی درونه‌گیری روایی در آثار داستانی فارسی می‌پردازیم با این یادآوری ضروری که در بازه زمانی مورد نظر این پژوهش، همواره ژانر روایی آمیخته با دیگر ژانرهای ادبی بوده است؛ یعنی به جای داستان به‌مثابه یک گونه ادبی، زیرگونه‌های داستانی / حکمی، داستانی / عرفانی، داستانی / تاریخی، و مانند آن داشته‌ایم؛ چنان‌که باید گفت: در ادبیات فارسی «قصه‌ها معمولاً روایت‌هایی خلاقانه‌اند که همراه با انواع دیگر ادبی می‌آیند» (میرصادقی، ۱۳۶۶: ۲۴). این آمیختگی به‌ویژه درباره ادبیات روایی و تعلیمی فارسی بسیار قابل توجه است.

۵. بحث و بررسی

۱.۵ انواع درونه‌ای

ضروری است که در نخستین گام، آثار را در گروه‌هایی کوچک‌تر و با تعاریف دقیق‌تر گنجانده و این‌گونه به ارزیابی خود سهولت، وضوح، و کارایی بیش‌تری بخشیم. مبنای این طبقه‌بندی میزان حضور و اثرگذاری شگرد درونه‌گیری در متونی است که در حوزه بررسی ما قرار می‌گیرند. مطالعه این متون ما را به وجود دو نگرش اساسی نسبت به درونه‌گیری راه می‌دهد:

در رویکرد نخست، درونه‌گیری نه به عنوان مبنای پیکربندی و طرح‌افکنی اثر، که به عنوان شگردی کارآمد برای القای مفاهیم و نیز افزودن بر طول و جذابیت متن در نظر گرفته شده است و نویسندگان و شاعران گاه‌گاه از آن در بخش‌های روایی آثار خویش سود جست‌ه‌اند؛ از این رو، این آثار را دارای ویژگی درونه‌گیری «ابزاری» می‌خوانیم؛ زیرا در رویکرد مؤلفان آن‌ها، داستان‌های درونه‌ای اغلب ابزاری برای بازگشت به گذشته یا سفر به آینده از طریق نقل‌خاطرات، معرفی شخصیت‌ها، گزارش سفرها و مأموریت‌ها، طرح پیش‌گویی‌ها، شرح رؤیاهای، و مکاشفات روحانی و نظایر آن بوده‌اند؛

اما در نگرش دوم، این شیوه ریشه در نگرش آفریننده اثر به جهان و نیز مفهوم ادبیات دارد و به جای تمهیدی صرف، به پدیده‌ای شاکله‌ساز بدل می‌شود. در این تلقی درونه‌گیری الگویی روایی است که داستان را طرح‌افکنی می‌کند، به سیر آن جهت می‌دهد و با وجود پاره‌پاره کردن داستان و ایجاد سطوح چندگانه روایی کل اثر را در ساختاری یک‌پارچه و قانون‌مند آغاز می‌کند، پیش می‌برد، و به سرانجام می‌رساند؛ الگویی که با محتوا یکی می‌شود، به آن معنا می‌بخشد، و انسجامی هنری می‌آفریند. تمام آن‌چه در بخش روایی

چنین آثاری رخ می‌دهد ارتباطی پویا، ناگسستنی، و زنجیروار با این شیوه از گنجاندن داستان‌ها در بطن یک‌دیگر دارد؛ از این رو، درونه‌گیری‌های داستانی را در چنین آثاری «شالوده‌ای» می‌نامیم؛

آثاری نیز هستند که در بین این دو گروه قرار می‌گیرند، چنان‌که در بخش‌هایی از آن‌ها کاربرد داستان‌های فرعی و استفاده از سطوح روایی تبدیل به مسئله و نمودی ساختاری می‌شود، اما در دیگر بخش‌ها نه چنین برجسته‌سازی و تشخیص‌بخشی‌ای به درونه‌گیری دیده می‌شود و نه اصولاً الزامی به الگومداری و ساختارمندی. از این آثار می‌توان با عنوان آثار «ترکیبی» نام برد، که یکی از دو رویکرد اصلی (غالباً رویکرد نخست) در آن‌ها نمایان‌تر است.

حال متون را از نظر جای‌گاهی که در این تقسیم‌بندی دارند معرفی و اجمالاً آن‌ها را مطالعه می‌کنیم: ۱. درونه‌گیری‌های «ابزاری»، ۲. درونه‌گیری‌های «شالوده‌ای»، و ۳. درونه‌گیری‌های «ترکیبی».

۱.۱.۵ درونه‌گیری‌های «ابزاری»

نخستین نوع را به آثار و نمونه‌های رویکرد «ابزاری» اختصاص می‌دهیم؛ زیرا نخستین نمونه‌های موجود از این زیرگونه «شاخه ادبی روایت‌مدار» نیز تلقی‌ای ابزاری نسبت به درونه‌گیری داشته‌اند. این بازه زمانی هزارساله را با تقسیم به شش دوره بررسی می‌کنیم: قرون ابتدایی بعد از اسلام تا پایان قرن چهارم، قرن پنجم، قرن ششم، قرن هفتم، قرن هشتم، و سرانجام قرن نهم هجری. همه متون ارائه‌شده در جداول پایانی تک‌تک بررسی شده‌اند، اما به سبب حجم بالای مطالب در این جا ناچاریم برای هر یک از این انواع سه‌گانه فقط یک نمونه را شرح دهیم.

نمونه منتخب برای درونه‌ای ابزاری *شاهنامه* است. *شاهنامه* چنان شکوه‌مند سروده شده که تا قرن‌ها الهام‌بخش حماسه‌سرایان ایرانی بوده است. هم‌چنان که این اثر در زمینه بنیادین حماسی خود، بن‌مایه‌ها و مضامین گوناگون مربوط به زندگی و سرگذشت چند هزارساله بشر را طرح کرده است، در داستان‌گویی هم دست‌مایه‌ها و شگردهای متعددی را به کار گرفته است. فردوسی از شیوه داستان در داستان به شکل‌های مختلفی سود جست است. از آن جمله می‌توان به «گزارش نبردها و مأموریت‌های پهلوانان» اشاره کرد که معمولاً در پیش‌گاه پادشاهان به شکلی داستانی نقل شده و گاه نیز نه به صورت رویاروی که از طریق نامه یا پیغامی شفاهی گزارده می‌شود. گزارش‌هایی از این دست اغلب بازگفت‌رویدادهایی

است که پیش از این و در مسیر داستان در جریان آن‌ها قرار گرفته‌ایم و حال آن‌ها را دوباره یا گاه چندباره از نگاه قهرمانان داستان مرور می‌کنیم.

یکی از این داستان‌ها که از نظر رویکرد پژوهشی ما شایان توجه است داستان مبارزه «سام» و «اژدهای کشف‌رود» است (فردوسی، ۱۳۸۲: ۱۲۰-۱۲۲). فردوسی این داستان را در جای خود نقل نکرده، بلکه در میانه داستان «زال و رودابه»، آن‌جا که «زال» مصرانه از پدر می‌خواهد وارد نبرد با خاندان «مهراب کابلی» نشود، «سام» ضمن هم‌داستانی با فرزند، طی نامه‌ای به «منوچهرشاه» داستان کشتن این اژدها را به عنوان نمونه‌ای از پهلوانی‌های خود نقل می‌کند. شرح این داستان از سوی «سام» بسیار با جزئیات صورت گرفته است و خواننده و شنونده را از آغاز تا فرجام مجذوب خویش می‌کند و فردوسی آن را به شیوه اول شخص و از زبان قهرمان داستان نقل می‌کند.

بسامد مکرر داستان‌ها نیز از موارد شایان توجه در شاهنامه است. از آن جمله داستان چگونگی سپیدموی زاده شدن «زال» و سرگذشت اوست که بارها و بارها در موقعیت‌های گوناگون از زبان «سام» یا «زال» برای مخاطبانشان نقل می‌شود. این در حالی است که پیش از این، سراینده/راوی داستان را به‌تمامی شرح داده است. اصولاً در داستان‌های حماسی و پهلوانی، اغلب درونه‌گیری به شکل گزارش نبردها، متن نامه‌ها، شرح حال پهلوانان، و نیز اختربینی و خواب‌گزاری می‌آید، که دسته‌ای رو به گذشته دارد و دیگری رو به آینده.

۲.۱.۵ درونه‌گیری‌های «شالوده‌ای»

چنان‌که بیان شد، گروهی از آثار مربوط به ژانر ادبی روایت‌مدار بر پایه آوردن داستان‌های لایه‌لایه و ایجاد سطوح روایی طرح‌افکنی و شالوده‌سازی شده‌اند. این ویژگی ساختاری داستان‌پردازی این متون را غالباً پیچیده کرده و دنبال کردن سیر روایت را دشوار ساخته است. تغییر سطح روایی اغلب به تغییر سطح روای و روایت‌نیوش نیز می‌انجامد؛ پس خواننده برای گم نشدن در کلاف داستان باید خوانشی هشیارانه‌تر داشته باشد و نشانه‌های مربوط به تغییر سطوح را به خاطر بسپارد.

انتقال از یک سطح روایی به سطح دیگر می‌تواند یا از طریق معرفی موقعیت تازه به دست آید یا از طریق ابزار گفتمان؛ از دیگر طریقه‌های انتقال مورد خطاب قرار دادن خواننده است: راوی به خواننده می‌گوید که وارد داستان جدیدی شده. گریز و انحراف از موضوع توسط راوی نیز شیوه دیگری برای انتقال سطوح روایی است (به نقل از بامشکی، ۱۳۹۰: ۵۸).

ورود به فضای چنین داستان‌هایی به گام زدن در گذرگاهی هزارتو می‌ماند و به پس زدن یک به یک پرده‌هایی که هرگز نمی‌توان دانست تا کجا آویخته‌اند و حتی گاه از یاد می‌بریم که برای رسیدن به موقعیت کنونی داستان چه مسیری را پیموده‌ایم. در پایان، داستان‌پرداز ما را مهیا کرده باشد یا نه، ناگزیریم راه آمده را تا منزل نخست (داستان مادر) بازگردیم.

در این جا، آن دسته از آثار متعلق به نخستین کوشش‌های ادبی پس از اسلام تا پایان قرن نهم هجری را بررسی می‌کنیم که در ساختار روایی خود، به شیوه «شالوده‌ای» از شگرد درونه‌گیری استفاده کرده‌اند.

داستان‌سرایی به منزله دنباله‌ای بر ادبیات پیشاسلامی از آغاز شعر فارسی دری مورد توجه قرار گرفت. داستان‌های کهن دوره‌های پیشین، که به صورت روایات اغلب شفاهی و گاه مکتوب در اختیار اهل ادب قرار داشت، نخستین آثار منظوم فارسی دری را بنیان گذاشتند. از آن جمله منظومه‌های *کلیله و دمنه* و *سندبادنامه رودکی*، *منظومه‌های عاشقانه عنصری*، و *شاهنامه ابومنصوری* است که از آن‌ها جز ابیاتی پراکنده چیزی در دست نمانده است. ابوریحان بیرونی از داستان‌هایی مانند *حدیث اورمزدیار* و *مهریار* نام می‌برد که خود از فارسی به عربی بازگردانده است و از این‌ها نیز نسخه‌ای در دست نیست (باباصفری، ۱۳۹۲: مقدمه). از این رو، نمی‌توان پیرامون شیوه‌های روایت‌گری این آثار با قطعیت اظهار نظر کرد. شاید اگر *هزار افسان* یا *سندبادنامه و کلیله و دمنه رودکی* در دست بود، می‌شد از سرآغازی روشن و قطعی برای داستان‌سرایی تودرتو به مثابه الگویی روایی سخن گفت؛ زیرا این آثار، چنان‌که می‌دانیم، در طبیعت روایی خویش ساختاری لایه‌لایه دارند. این نوع به چهار دوره زمانی تقسیم شده است: قرن ششم، قرن هفتم، قرن هشتم، و قرن نهم و آغاز قرن دهم.

در بین انبوهی از نمونه‌های جالب توجه نمونه انتخاب‌شده برای این نوع درونه‌ای *داستان سلیم جوهری* است؛ این داستان مانند داستان‌های *بن‌تراب* نگارنده و تاریخ نگارش روشنی ندارد. برخی بر این باورند که اصل کتاب در دوره تیموری نوشته شده است و بعدها از روی آن تحریرهای چندی متناسب با روح زمانه انجام شده است. با این حال، به نظر تاریخ‌نگاران ادبی نگارش کتاب تا پیش از قرن دهم صورت گرفته است. شروع این داستان «بر زمینه‌ای تاریخی و با استناد به برخی شخصیت‌ها و عناصر تاریخی استوار است. مؤلف ناشناخته داستان با استفاده از چنین زمینه‌ای، بسیاری از بن‌مایه‌های افسانه‌های ایرانی را به اشکال گوناگون به تصویر کشیده است» (جعفری، ۱۳۸۷: ۸۰).

در چهارچوب داستان اصلی، «حجاج بن یوسف» پس از ستمی که از او بر «سعید بن جبیر» می‌رود، دچار بی‌خوابی می‌شود و شبی پس از بیداری‌های متوالی با کابوسی دهشت‌ناک از خواب می‌پرد. امیر، که سخت آزرده است، از وزیر فرزانه خویش می‌خواهد تا به گونه‌ای خاطر او را از تلخی و دهشت کابوس بازگرداند. تدبیر وزیر داستان‌گویی است؛ پس دو داستان برای حجاج نقل می‌شود: نخست داستانی کوتاه از زبان دختر وزیر در شرح چگونگی آشنایی‌اش با جهان پریان و آنچه در این مسیر بر او رفته، و سپس داستانی طولانی (سلیم جوهری) که راوی آن یکی از زندانیان و مخالفان حجاج است و سرگذشتی غریب و شگفت‌انگیز را از سر گذرانده است. امیر مرد در بند را به بارگاه خود می‌خواند و از این‌جا «سلیم» راوی زبان‌آور داستان سراسر فراز و فرود زندگی‌اش می‌شود. گویی سیاست کردن «سعید بن جبیر»، بی‌خوابی و کابوس «حجاج»، چاره‌جویی وزیر، داستان‌گویی دختر، و به یاد آوردن این زندانی فراموش‌شده همگی مقدماتی بوده‌اند که آرام‌آرام حجاج و ما را به سرزمین اسرارآمیز داستان‌های سلیم راه می‌نمایند. داستان سلیم با این نگاه نه داستانی فرعی، بلکه داستان مادر است که اندکی با تأخیر و پس از ذکر مقدماتی نقل می‌شود.

فراوانی بن‌مایه‌های مشترک این داستان با متون همانند خود به‌ویژه هزار و یک شب، می‌تواند موضوع بررسی مستقلی باشد، در این‌جا فقط به یکی از این بن‌مایه‌ها اشاره می‌کنیم و آن «خواب و رؤیا» است، که حضور مداوم و نقش پیش‌برنده‌اش در رویدادها «آن را به جزئی از ساختار داستان تبدیل نموده است» (همان: ۲۶).

۳.۱.۵ درونه‌گیری‌های «ترکیبی»

سومین و آخرین بخش در بررسی سیر، معرفی و بازنمایی آن دسته از آثار روایت‌مدار فارسی، که در گونه درونه‌گیری‌های روایی می‌گنجد، به متونی می‌پردازد که روایت‌گری به شیوه داستان در داستان فقط بخش‌هایی از آن‌ها را شالوده‌افکنی کرده است. به دیگر سخن، درونه‌گیری گاه جزوی از ساختار و طرح‌افکنی قسمت‌هایی از این آثار به شمار می‌رود و گاه صرفاً به شیوه «ابزاری» از آن سود جسته شده است. بنابراین، از آن‌جا که شاکله و ساختار روایی این آثار آمیزه‌ای از درونه‌گیری‌های «شالوده‌ای» و «ابزاری» است، آن‌ها را در گروه درونه‌سازهای «ترکیبی» قرار داده‌ایم.

برای تبیین بهتر وجه تمایز الگوی «ترکیبی» و «شالوده‌ای» می‌توان چنین بیان کرد که اگر داستان اصلی به گونه‌ای خودبسنده باشد که بتوان بخش داستان در داستان را بی‌آن‌که به

ساختار روایی اثر لطمه وارد شود از آن حذف کرد، با درونه‌گیری «ترکیبی» مواجهیم. اما اگر داستان در داستان‌ها چنان در بافت قصه‌ی مادر و در حقیقت پیرنگ اثر رسوخ کرده باشند که بدون آن‌ها پیش‌روی پیرنگ ناممکن شود، اثر را باید متعلق به گروه «شالوده‌ای» دانست. باید توجه کرد که اساس این تقسیم‌بندی بر منطق ساختاری اثر قرار دارد و نه منطق معنایی آن؛ زیرا هر داستان درونه‌ای بی‌تردید در جهان معنایی متن ایفاگر نقشی است.

می‌توان با طرح نمونه‌هایی از هر دو گونه «ترکیبی» و «شالوده‌ای» این بحث را کامل کرد؛ مثلاً، اگر داستان‌های «گنبد‌های هفت‌گانه» را از هفت بیکر نظامی حذف کنیم، بی‌تردید منطق معنایی اثر، که نمایش سیر و سلوک بهرام و منازل مختلف استحاله‌ی شخصیتی اوست، ضربه‌ای جدی خواهد خورد. اما از نظر ساختار روایی، سرگذشت بهرام بدون این داستان‌های هفت‌گانه نیز سیر منطقی خود را ادامه خواهد داد؛ این در حالی است که داستان اصلی اثری مانند چهار درویش از امیر خسرو دهلوی به‌مثابه‌ی نخی است که داستان‌های درونه‌ای را به یک‌دیگر پیوند می‌دهد؛ چنان‌که بدون این داستان‌ها، داستان اصلی با فقدان جدی مواجه می‌شود و در حقیقت منطق پیرنگ این داستان فرو خواهد ریخت.

جالب این‌جاست که پس از کشف چنین سامانه‌ای، به منزله‌ی قرارداد نظری این پژوهش برای طبقه‌بندی انواع درونه‌گیری، تمایز پیش‌نهادشده از سوی میکی‌بال بین دو اصطلاح «درونه‌گیری» (embedding) و «قاب‌گیری» (framing) را با تمایز قائل شده از سوی این پژوهش بین درونه‌گیری‌های «شالوده‌ای» و «ترکیبی» قابل تطبیق یافتیم. نلز به نقل از بال، که برای توضیح این تمایز به مقایسه‌ی هزار و یک شب و زنبق دره اثر بالزاک^۱ پرداخته و می‌نویسد:

گرچه اصطلاح «درونه‌گیری» برای هر اثری که شکل داستان در داستان دارد به کار می‌رود، پیش‌نهاد می‌کنم برای تعیین مرزهای دقیق این اصطلاح، آن را برای آثاری به کار ببریم که در آن‌ها پیوستگی متقابل میان سطوح روایی برقرار است، مانند آنچه در هزار و یک شب شاهدیم؛ و اگر این پیوند تنها در یکی از دو سطح روایی روی دهد، به جای آن از اصطلاح «قاب‌گیری» استفاده نمایم. به این معنا که نقل حکایت درونه‌ای در گونه «قاب‌گیری» نقشی در گسترش روایت مادر ایفا نمی‌نماید و میان این دو سطح، نه رابطه‌ای متقابل که رابطه‌ای یک‌سویه برقرار است (Cited Nelles, 1997: 127-128).

چنان‌که خواهیم دید در اغلب متون «ترکیبی»، بخش «ابزاری» حجم بیش‌تری از اثر را به خود اختصاص داده و از آن سو، معمولاً بخش «شالوده‌ای» عهده‌دار زیبایی‌بخشی و القای مفاهیم از سمت راوی/ نویسنده به روایت‌شنو/ خواننده شده است. بازه‌ی زمانی

مورد نظر در این نوع را به سه دوره تقسیم کرده‌ایم: قرن هفتم، قرن هشتم، و قرن نهم (و آغاز قرن دهم).

از بین درونه‌ای‌های ترکیبی منظومه گل و نوروزِ خواجوی کرمانی انتخاب شد که چنین آغاز می‌شود:

سراییی بلبلانِ گلشنِ راز چنین گفتند با مرغِ دلم باز
که شاهی بود در مُلک خراسان به عهد باستان از نسل ساسان

(خواجوی کرمانی، ۱۳۷۰: ۴۸۹)

بخش درخور توجهی از این منظومه به شیوه داستان در داستان است. شاهزاده «نوروز» هر بار با یکی از شخصیت‌های حکیم، مهران، و راهب وارد گفت‌وگو و داستان‌گویی‌های دوسویه می‌شود. هر کدام از این سه، به خواسته پادشاه، می‌کوشند تا نوروز را از راهی شدن برای یافتن گل بازدارند. برای نمونه، حکیم پس از نصیحت کردن نوروز می‌گوید:

اگر خواهی بگویم داستانی که هر حرفی از آن ارزد جهانی
بود کان بشنوی، عبرت بگیری به خویش آیی و پندم درپذیری
چنین خواندم که در ایام پیشین وزیری بود با تعظیم و تمکین

(همان: ۵۰۹)

در پاسخ به این داستان، که بن‌مایه مرکزی آن «بی‌وفایی زنان و موهوم بودن عشق» است، نوروز سرگذشت بهزاد و پریزاد را نقل می‌کند تا به «حکیم» ثابت کند وجود عشق حقیقی ممکن بوده و دست‌یابی به آن نیازمند شکیبایی و پایداری است. پس از آن‌که بی‌نتیجه بودن کوشش حکیم بر پادشاه روشن می‌شود، او یکی از نزدیکان خود با نام مهران را نزد نوروز می‌فرستد. مهران پس از ملامت شاهزاده، داستان مهر و مهربان را نقل می‌کند، دو دل‌باخته‌ای که پس از تحمل دشواری‌ها و مشقت‌های فراوان به وصال یک‌دیگر دست نیافتند. در این داستان، بسامد مکرر رویدادهای داستانی را شاهدیم، مثل جایی که وفادار، دوست مهربان، نزد مهر رفته و سپس شرح این ملاقات و دیده‌ها و شنیده‌های خویش را برای مهربان نقل می‌کند (همان: ۵۴۰). نوروز این بار در پاسخ، داستان کمال و جمال را پیش می‌کشد و در آن به تعریض، سرگذشت ملامت‌گویی را حکایت می‌کند که خود در پایان در دام عشق افتاده و هلاک می‌شود. راوی آخرین داستان راهب است. نوروز خود به دیر رفته و برای گرفتن راهنمایی از او، داستان عشقش به گل را شرح می‌دهد. راهب

داستان نصر و نصیر را با موضوع لزوم جوان‌مردی و بزرگ‌منشی حکایت می‌کند؛ نوروز پس از شنیدن این آخرین حکایت بی‌آن که در پاسخ داستانی نقل کند دیر را ترک می‌کند و به جست‌وجوی یار نادیده و ناشناخته عازم سفری دور و دراز می‌شود (همان: ۵۹۹). در پایان این پژوهش که در آن کوشش شد تا حد امکان آثار ادبی مربوط به این دوره زمانی از منظر شیوه کاربرد شگرد روایی درونه‌گیری مورد مطالعه و پی‌جویی قرار گیرد، تا پژوهش‌گران برای مطالعات بیش‌تر حداقل فهرستی اولیه در دست داشته باشند چکیده‌ای از یافته‌ها را در جدولی نشان می‌دهیم.

جدول ۱. سیر انواع سه‌گانه داستان‌های درونه‌ای

ردیف	نام اثر	نام نویسنده	قرن	منظوم یا مثنوی	نوع درونه‌گیری
۱	شاهنامه	فردوسی	۴	منظوم	ابزاری
۲	شرح تعریف	مستملی بخاری	۴	مثنوی	ابزاری
۳	یوسف و زلیخا	فردوسی	۴	منظوم	ابزاری
۴	ورقه و گلشاه	عیوقی	۵	منظوم	ابزاری
۵	برزونامه	عطایی رازی	۵	منظوم	ابزاری
۶. الف	بیژن‌نامه	عطایی رازی	۵	منظوم	ابزاری
۶. ب	شهریارنامه	مختاری غزنوی	۵	منظوم	ابزاری
۷	گرشاسب‌نامه	اسدی طوسی	۵	منظوم	ابزاری
۸	داراب‌نامه	ابوطاهر طرسوسی	۵	منظوم	ابزاری
۹	ابومسلم‌نامه	ابوطاهر طرسوسی	۵	مثنوی	ابزاری
۱۰	فرامرزنامه	؟	۵	منظوم	ابزاری
۱۱. الف	بانوگناسب‌نامه	؟	۵	منظوم	ابزاری
۱۱. ب	علی‌نامه	ربیع	۵	منظوم	ابزاری
۱۲	مختارنامه	؟	۵	مثنوی	ابزاری
۱۳	قصه حمزه	؟	۴-۷	مثنوی	ابزاری
۱۴	کیمیای سعادت	محمد غزالی	۵	مثنوی	ابزاری
۱۵	کشف المحجوب	جلایی هجویری	۵	مثنوی	ابزاری
۱۶	گنج‌نامه	خواجه عبدالله انصاری	۵	مثنوی	ابزاری
۱۷	کنز السالکین	خواجه عبدالله انصاری	۵	مثنوی	ابزاری
۱۸	قنادرنامه	خواجه عبدالله انصاری	۵	مثنوی	ابزاری
۱۹	جلال‌الخاطر	عبدالقادر گیلانی	۵	مثنوی	ابزاری
۲۰	رونی‌المجالس	؟	۵	مثنوی	ابزاری

ابزاری	مثنوی	۵	؟	بستان العارفين و تحفه المریدین	۲۱
ابزاری	مثنوی	۵	قابوس بن وشمگیر	قابوس نامه	۲۲
ابزاری	مثنوی	۵	خواجہ نظام الملک طوسی	سیاست نامه	۲۳
ابزاری	مثنوی	۵	؟	پند پیران	۲۴
ابزاری	منظوم	۵	ایران شاه بن ابی الخیر	بہمن نامه	۲۵
ابزاری	منظوم	۵	ایران شاه بن ابی الخیر	کوش نامه	۲۶ الف
ابزاری	منظوم	۵	؟	کک کوہ زاد	۲۶ ب
ابزاری	منظوم	۵	ابو اسحاق نیشابوری	قصص الانبیا	۲۷
ابزاری	منظوم	۶	؟	ہمای نامہ	۲۸
ابزاری	مثنوی	۶	شیخ احمد جام	بحار الحقیقہ	۲۹
ابزاری	مثنوی	۶	شیخ احمد جام	سراج السائرین	۳۰
ابزاری	مثنوی	۶	شیخ احمد جام	مفتاح النجات	۳۱
ابزاری	مثنوی	۶	شیخ احمد جام	کنوز الحکمہ	۳۲
ابزاری	مثنوی	۶	سنایی غزنوی	حدیقہ الحقیقہ	۳۳
ابزاری	منظوم	۶	عطار نیشابوری	مظہر العجائب	۳۴
ابزاری	منظوم	۶	عطار نیشابوری	مظہر	۳۵
ابزاری	منظوم	۶	عطار نیشابوری	خسرو نامہ	۳۶
ابزاری	منظوم	۶	منسوب بہ عطار	جوہر الذات	۳۷
ابزاری	منظوم	۶	منسوب بہ عطار	اشتر نامہ	۳۸
ابزاری	مثنوی	۶	محمد بن احمد طوسی	عجائب المخلوقات	۳۹
ابزاری	مثنوی	۶	نظامی عروضی	چہار مقالہ	۴۰
ابزاری	مثنوی	۶	رضی الدین نیشابوری	مکارم اخلاق	۴۱
ابزاری	مثنوی	۶	قاضی حمید الدین بلخی	مقامات حمیدی	۴۲
ابزاری	مثنوی	۶-۸	علی بن فقیہ الاصفہانی	تحفہ الملوک	۴۳
ابزاری	مثنوی	۶	محمد بن محمود ہمدانی	عجائب نامہ	۴۴
ابزاری	مثنوی	۵-۶	؟	ہزار حکایت صوفیان	۴۵
ابزاری	مثنوی	۶-۷	محمد اسعد تستری (شوشتری)	قصص الانبیا	۴۶
ابزاری	مثنوی	۷	شہاب الدین سہروردی	آواز پر جبرئیل	۴۷
ابزاری	مثنوی	۷	شہاب الدین سہروردی	روزی با جماعت صوفیان	۴۸
ابزاری	مثنوی	۷	شہاب الدین سہروردی	فی حالہ الطفولیہ	۴۹
ابزاری	مثنوی	۷	شہاب الدین سہروردی	فی حقیقہ العشق	۵۰
ابزاری	مثنوی	۷	شہاب الدین سہروردی	عقل سرخ	۵۱
ابزاری	مثنوی	۷	شہاب الدین سہروردی	لغت موران	۵۲
ابزاری	مثنوی	۷	زنگی بخاری	بستان العقول	۵۳
ابزاری	مثنوی	۷	زنگی بخاری	زنگی نامہ	۵۴
ابزاری	منظوم	۷	زردشت بہرام پڑو	ارداویراف نامہ	۵۵

۴۲ سیر داستان‌های درونه‌ای در ادبیات فارسی تا پایان قرن نهم

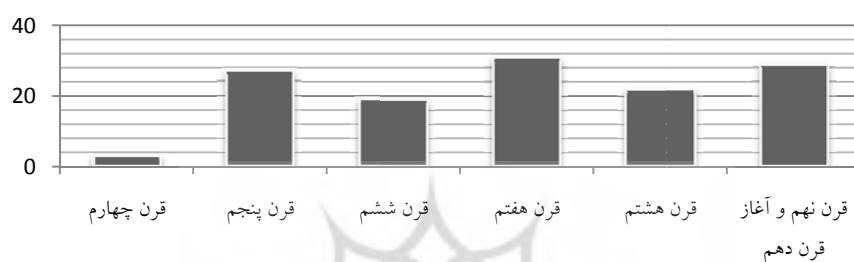
ابزاری	مثنوی	۷	؟	قصص الانبیا	۵۶
ابزاری	مثنوی	۷	محمد بن غازی ملطیوی	برید السعاده	۵۷
ابزاری	مثنوی	۷	فخر مدبر (مبارکشاه)	آداب الحرب و الشجاعه	۵۸
ابزاری	مثنوی	۷	محمد عوفی	جوامع الحكایات	۵۹
ابزاری	مثنوی	۷	سراج‌الدین ارموی	لطائف الحکمه	۶۰
ابزاری	مثنوی	۷	جلال‌الدین محمد مولوی	مجالس سبعه	۶۱
ابزاری	مثنوی	۷	جلال‌الدین محمد مولوی	فیه ما فیه	۶۲
ابزاری	مثنوی	۷	شمس‌الدین تبریزی	مقالات شمس	۶۳
ابزاری	مثنوی	۷	سعدی شیرازی	گلستان	۶۴
ابزاری	منظوم	۷	سعدی شیرازی	بوستان	۶۵
ابزاری	مثنوی	۷	سعدی شیرازی	مجالس پنج‌گانه	۶۶
ابزاری	منظوم	۷	فخرالدین عراقی	عشاق‌نامه (ده‌نامه)	۶۷
ابزاری	منظوم	۷	حکیم زجاجی	همایون‌نامه	۶۸
ابزاری	مثنوی	۷	سلطان ولد	معارف	۶۹
ابزاری	منظوم	۷	نظامی گنجوی	مخزن الاسرار	۷۰
ابزاری	منظوم	۷	نظامی گنجوی	لیلی و مجنون	۷۱
ابزاری	منظوم	۷-۸	امیر خسرو دهلوی	مطلع الانوار	۷۲
ابزاری	منظوم	۷-۸	امیر خسرو دهلوی	مجنون و لیلی	۷۳
ابزاری	منظوم	۷-۸	امیر خسرو دهلوی	شیرین و خسرو	۷۴
ابزاری	منظوم	۷-۸	امیر خسرو دهلوی	آیینة اسکندری	۷۵
ابزاری	منظوم	۷-۸	حسن سنجری	دیوان	۷۶
ابزاری	مثنوی	۷-۸	امیر حسینی غوری هروی	نزهه الارواح	۷۷
ابزاری	منظوم	۸	خواجوی کرمانی	کمال‌نامه	۷۸
ابزاری	منظوم	۸	خواجوی کرمانی	همای و همایون	۷۹
ابزاری	منظوم	۸	خواجوی کرمانی	روضه الانوار	۸۰
ابزاری	منظوم	۸	خواجوی کرمانی	سام‌نامه	۸۱
ابزاری	مثنوی	۸	مجد خوافی	روضه خلد	۸۲
ابزاری	مثنوی	۸	معین‌الدین جوینی	نگارستان	۸۳
ابزاری	مثنوی	۸	شیخ علاء‌الدوله سمنانی	مالاته منه فی الدین	۸۴
ابزاری	مثنوی	۸	شیخ علاء‌الدوله سمنانی	العروه لاهما الخلوه و الجلوه	۸۵
ابزاری	مثنوی	۸	امیر اقبال سیستانی	چهل مجلس (رساله اقبالیه)	۸۶
ابزاری	مثنوی	۸	عبدالرزاق کاشانی	تحفه الاخوان	۸۷
ابزاری	مثنوی	۸	شهاب‌الدین عمر سهروردی	فتوت‌نامه	۸۸
ابزاری	مثنوی	۸	نجم‌الدین زرکوب	فتوت‌نامه	۸۹
ابزاری	منظوم	۸	شرف‌الدین راهی	منظومه باباکوهی	۹۰
ابزاری	منظوم	۸	ابن عماد	روضه المحبین	۹۱

ابزاری	مثنوی	۸	شیعی سبزواری	مصایح القلوب	۹۲
ابزاری	منظوم	۸	عصا تبریزی	مهر و مشتری	۹۳
ابزاری	مثنوی	۸	حسین بن اسعد دهستانی	فرج بعد از شامت	۹۴
ابزاری	منظوم	۸	عمادالدین فقیه کرمانی	طریقت‌نامه	۹۵
ابزاری	منظوم	۸	سلیمان ساوجی	جمشید و خورشید	۹۶
ابزاری	منظوم	۸	عارف اردبیلی	فره‌ادنامه	۹۷
ابزاری	مثنوی	۸-۹	صائن‌الدین ترکه اصفهانی	عقل و عشق (مناظرات خمس)	۹۸
ابزاری	مثنوی	۸	ضیاء‌الدین نخشبی	سلک السلوک	۹۹
ابزاری	مثنوی	۹	محمد بیغمی	داراب‌نامه	۱۰۰
ابزاری	منظوم	۹	محمد سبیک نیشابوری	حسن و دل	۱۰۱
ابزاری	منظوم	۹	پیرجمال اردستانی	شرح الکنوز و بحر الرموز	۱۰۲
ابزاری	منظوم	۹	پیرجمال اردستانی	مصباح الارواح	۱۰۳
ابزاری	نثر و نظم	۹	پیرجمال اردستانی	تنبیه العارفين	۱۰۴
ابزاری	نثر و نظم	۹	پیرجمال اردستانی	محبوب الصائغین	۱۰۵
ابزاری	منظوم	۹	پیرجمال اردستانی	ناظر و منظور	۱۰۶
ابزاری	نثر و نظم	۹	پیرجمال اردستانی	نور علی نور	۱۰۷
ابزاری	نثر و نظم	۹	پیرجمال اردستانی	مفتاح الفقر	۱۰۸
ابزاری	نثر و نظم	۹	پیرجمال اردستانی	مشکوه المحبین	۱۰۹
ابزاری	نثر و نظم	۹	پیرجمال اردستانی	مهرافروز	۱۱۰
ابزاری	منظوم	۹	پیرجمال اردستانی	نصرت‌نامه	۱۱۱
ابزاری	مثنوی	۹	ابن حسام خوسفی	خاورنامه	۱۱۲
ابزاری	مثنوی	۹	شجاع	انیس الناس	۱۱۳
ابزاری	منظوم	۹	محمد اسیری لاهیجی	اسرار الشهود	۱۱۴
ابزاری	منظوم	۹	رشیدالدین محمد بیدوندی	المصباح	۱۱۵
ابزاری	مثنوی	۹	کاشفی سبزواری	اخلاق محسنی	۱۱۶
ابزاری	مثنوی	۹	کمال‌الدین خوارزمی	ینبوع الاسرار فی نصایح الابرار	۱۱۷
ابزاری	منظوم	۹	خواجه مسعود قهی	یوسف و زلیخا	۱۱۸
ابزاری	منظوم	۹	خواجه مسعود قهی	شمس و قمر	۱۱۹
ابزاری	مثنوی	۹	عبدالرحمان جامی	بهارستان	۱۲۰
ابزاری	منظوم	۹	عبدالرحمان جامی	سلسله الذهب	۱۲۱
ابزاری	منظوم	۹	عبدالرحمان جامی	سلامان و ایسان	۱۲۲
ابزاری	منظوم	۹	عبدالرحمان جامی	تحفه الاحرار	۱۲۳
ابزاری	منظوم	۹	عبدالرحمان جامی	سیحہ الابرار	۱۲۴
ابزاری	منظوم	۹	عبدالرحمان جامی	یوسف و زلیخا	۱۲۵
ابزاری	منظوم	۹	عبدالرحمان جامی	لیلی و مجنون	۱۲۶
ابزاری	منظوم	۹	عبدالرحمان جامی	خرندنامه اسکندری	۱۲۷

۴۴ سیر داستان‌های درونه‌ای در ادبیات فارسی تا پایان قرن نهم

ابزاری	منظوم	۹	مکتبی شیرازی	لیلی و مجنون	۱۲۸
شالوده‌ای	مثنوی	۶	نصرالله منشی	کلیله و دمنه	۱۲۹
شالوده‌ای	مثنوی	۶-۷	محمد بن عبدالله بخاری	داستان‌های بیدپای	۱۳۰
شالوده‌ای	مثنوی	۶(۹)	ظهیری سمرقندی	سندبادنامه	۱۳۱
شالوده‌ای	مثنوی	۶	محمد دقایقی مروزی	راحة الارواح فی سرور المفراح	۱۳۲
شالوده‌ای	منظوم	۶	عطار نیشابوری	منطق‌الطیر	۱۳۳
شالوده‌ای	منظوم	۶	عطار نیشابوری	مصیبت‌نامه	۱۳۴
شالوده‌ای	منظوم	۶	عطار نیشابوری	الهی‌نامه	۱۳۵
شالوده‌ای	منظوم	۶	منسوب به عطار	بلبل‌نامه	۱۳۶
شالوده‌ای	مثنوی	۶(۹)۷	محمد غازی ملطوی	روضه‌العقول	۱۳۷
شالوده‌ای	مثنوی	۷	سعدالدین وراوینی	مرزبان‌نامه	۱۳۸
شالوده‌ای	منظوم	۷	جلال‌الدین محمد مولوی	مثنوی معنوی	۱۳۹
شالوده‌ای	منظوم	۷	سلطان ولد	ولدنامه	۱۴۰
شالوده‌ای	منظوم	۷	قانعی طوسی	کلیله و دمنه منظوم	۱۴۱
شالوده‌ای	مثنوی	۷	(؟) ملقب به شمس	فرائد السلوک	۱۴۲
شالوده‌ای	مثنوی	۷-۸	امیر خسرو دهلوی	چهار درویش	۱۴۳
شالوده‌ای	منظوم	۸	عضد یزدی	سندبادنامه منظوم	۱۴۴
شالوده‌ای	مثنوی	۸	محمد ثغری	جواهر الاسمار	۱۴۵
شالوده‌ای	مثنوی	۸	ضیاء‌الدین نخشبی	طوطی‌نامه	۱۴۶
شالوده‌ای	مثنوی	۸	ضیاء‌الدین نخشبی	حکایت معصوم شاه (کلرینز)	۱۴۷
شالوده‌ای	مثنوی	۸	نظام تبریزی (شامی)	بلوهر و بیوسف (یوزاسف)	۱۴۸
شالوده‌ای	مثنوی	۸-۱۰	؟	هفت کشور و سفرهای ابن تراب	۱۴۹
شالوده‌ای	مثنوی	۹	؟	عجائب البخت	۱۵۰
شالوده‌ای	مثنوی	۹	ملاحسین واعظ کاشفی	انوار سهیلی	۱۵۱
شالوده‌ای	منظوم	۹	پیرجمال اردستانی	کنز الدقایق	۱۵۲
شالوده‌ای	مثنوی	۱۰ تا	؟	داستان سلیم جواهری	۱۵۳
شالوده‌ای	مثنوی	۱۰	برخوردار بن ترکمان فراهی	رعنا و زیبا	۱۵۴
شالوده‌ای	مثنوی	۱۰	برخوردار بن ترکمان فراهی	شمسه و قهقهه	۱۵۵
ترکیبی	منظوم	۷	نظامی گنجوی	خسرو و شیرین	۱۵۶
ترکیبی	منظوم	۷	نظامی گنجوی	هفت پیکر	۱۵۷
ترکیبی	منظوم	۷-۵۸-۷۸	نظامی گنجوی	اسکندرنامه	۱۵۸
ترکیبی	مثنوی	۸	؟	اسکندرنامه مثنوی	۱۵۹
ترکیبی	منظوم	۹	امیر خسرو دهلوی	هشت بهشت	۱۶۰
ترکیبی	منظوم		خواجوی کرمانی	گل و نوروز	۱۶۱
ترکیبی	منظوم		محمد نزل‌آبادی	جمال و جلال	۱۶۲

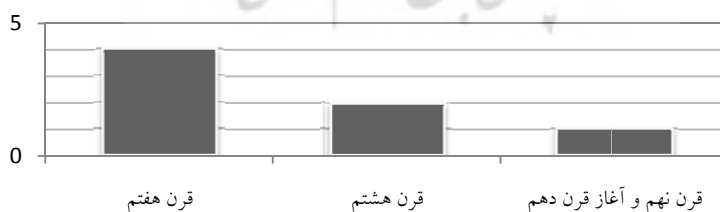
بسامد به‌کارگیری این سه گونه درونه‌گیری در دوره مورد بحث (با اغماض در به شمار آوردن برخی آثار بدون تاریخ قطعی و نیز چند اثر از آغاز قرن دهم) را می‌توان در سه نمودار ذیل مستقلاً تبیین کرد. گفتنی است از آن‌جا که این پژوهش به هیچ وجه ادعای بررسی همه نمونه‌های ممکن را ندارد، این نمودارهای آماری فقط می‌توانند شمایی کلی از بسامد آثار به دست دهند. ضمن آن‌که می‌دانیم چنین نمودارهایی را به سادگی و بدون توجه به شاخص‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی هر دوره نمی‌توان و نباید تحلیل کرد.



نمودار ۱. بسامد درونه‌گیری‌های ابزاری (در مجموع ۱۲۸ اثر)



نمودار ۲. بسامد درونه‌گیری‌های شالوده‌ای (در مجموع ۲۷ اثر)



نمودار ۳. بسامد درونه‌گیری‌های ترکیبی (در مجموع ۷ اثر)

۶. نتیجه‌گیری

بررسی سیر داستان‌های درونه‌ای در شاخه‌ی روایت‌مدار نشان می‌دهد که این نوع داستان محدود و منحصر به یک گونه‌ی خاص نیست و در طیف وسیعی از گونه‌های داستانی حضور دارد. در این پژوهش سه قسم داستان درونه‌ای کشف شد که آن‌ها را ابزاری، شالوده‌ای، و ترکیبی می‌نامیم. درونه‌ای ابزاری شگردی صرفاً کارآمد برای القای مفاهیم و نیز افزودن بر طول و جذابیت متن است؛ درونه‌ای شالوده‌ای مبنای پیکربندی، طرح‌افکنی اثر، و پدیده‌ای شاکله‌ساز است که با محتوا یکی می‌شود، به آن معنا می‌بخشد، و انسجامی هنری می‌آفریند. گروه سوم نیز ترکیبی از دو نوع مذکور است. بر اساس نمودارهای مذکور، در این بازه‌ی زمانی مورد مطالعه درونه‌گیری‌های ابزاری در مجموع ۱۲۸ اثر است که در متون داستانی قرون هفتم، نهم، و پنجم بیش از دوره‌های دیگر است؛ بسامد درونه‌گیری‌های شالوده‌ای در مجموع ۲۷ اثر است که در قرن ششم به اوج خود می‌رسد و درونه‌گیری‌های ترکیبی نیز هفت اثر است که در قرن هفتم به اوج خود می‌رسد.

این پژوهش به سبب ارائه‌ی فهرستی نسبتاً کامل از متونی که شگرد داستان درونه‌ای در آن‌ها به شیوه‌های گوناگون به کار رفته است، می‌تواند درآمدی راه‌گشا برای مطالعات بیش‌تر درباره‌ی شگرد داستان درونه‌ای باشد. در شناسایی و معرفی سیر تاریخی داستان‌های درونه‌ای تلاش شده تا آن‌جا که ممکن است پژوهش‌گران بعدی را در فرایند دشوار جست‌وجو بین انبوه آثار فارسی یاری داده و نیز الگویی برای پی‌گیری این سیر در دوره‌های دیگر تاریخی و حتی کامل‌تر کردن فهرست آثار مربوط به همین بازه‌ی زمانی ارائه کنیم. پیش‌نهاد این پژوهش برای مطالعات بعدی بررسی تاریخی تطور شکل‌های روایی و به‌ویژه شکل داستان در داستان در آثار فارسی است.

منابع

- آربری، آرتور جان (۱۳۷۱). *ادبیات کلاسیک فارسی*، ترجمه‌ی اسدالله آزاد، مشهد: آستان قدس رضوی.
آیدنلو، سجاد (۱۳۸۸). *متون منظوم پهلوانی*، تهران: سمت.
اته، هرمان (۱۳۳۷). *تاریخ ادبیات فارسی*، ترجمه‌ی صادق رضازاده شفق، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
اردستانی، پیر جمال‌الدین محمد (۱۳۸۰). *مصباح الارواح*، تصحیح سید ابوطالب میرعابدینی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
اردستانی، پیر جمال‌الدین محمد (۱۳۸۸). *شرح الکنوز و بحر الرموز*، تصحیح امید سروری، تهران: کتاب‌خانه‌ی موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

اردستانی، پیر جمال‌الدین محمد (۱۳۸۹). *رسایل*، (دفتر اول و دوم)، تصحیح امید سروری، تهران: کتاب‌خانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

ارموی، سراج‌الدین محمود (۱۳۵۱). *لطائف الحکمة*، تصحیح غلام‌حسین یوسفی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران. اسدی طوسی، ابونصر علی بن احمد (۱۳۱۷). *گرتشاسب‌نامه*، تصحیح حبیب یغمایی، تهران: بروخیم. *اسکندرنامه* (۱۳۸۹). جمع‌آورنده و تحریرکننده نخستین: عبدالکافی بن ابی البرکات، تصحیح ایرج افشار، تهران: چشمه.

اسیری لاهیجی، شیخ محمد (۱۳۶۵). *مثنوی اسرار الشهود*، تصحیح برات زنجانی، تهران: امیرکبیر. اصفهانی، علی بن ابی‌حفص بن فقیه محمود (۱۳۸۲). *تحفة الملوک*، تصحیح علی‌اکبر احمدی دارانی، تهران: میراث مکتوب.

امیرحسینی غوری هروی (بی‌تا). *نزهة الارواح*، تصحیح نجیب مایل هروی، تهران: زوار. انصاری، خواجه عبدالله بن محمد (۱۳۷۲). *مجموعه رسائل خواجه عبدالله انصاری*، ج ۱ و ۲، تصحیح محمد سرور مولایی، تهران: توس.

انصاری، خواجه عبدالله بن محمد (۱۳۸۸). *گنج‌نامه*، گردآوری و تصحیح جمعی از ارادت‌مندان پیر هرات، هرات: احراری.

ایران‌شاه بن ابی‌الخیر (۱۳۷۰). *بهمین‌نامه*، تهران: علمی و فرهنگی. ایرانی، ناصر (۱۳۸۰). *هنر رمان*، تهران: آبانگاه.

باباصغری، علی‌اصغر (۱۳۹۲). *فرهنگ داستان‌های عاشقانه در ادب فارسی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

بامشکی، سمیرا (۱۳۹۱). *روایت‌شناسی داستان‌های مثنوی*، تهران: هرمس.

بخاری، محمد بن عبدالله (۱۳۶۱). *داستان‌های بیدپای*، تصحیح پرویز ناتل خانلری و محمد روشن، تهران: خوارزمی.

براون، ادوارد (۱۳۳۳). *تاریخ ادبی ایران، از قدیم‌ترین روزگار تا زمان فردوسی*، ترجمه علی‌پاشا صالح، تهران: [بی‌نا].

برتلس، یوگنی ادواردویچ (۱۳۷۴). *تاریخ ادبیات فارسی*، ترجمه سیروس ایزدی، تهران: امیرکبیر. بلخی، قاضی حمیدالدین (۱۳۶۲). *مقامات حمیایی*، تهران: شرکت ترجمه و نشر بین‌الملل.

بوشنجی، شیخ ابوالحسن بن هیصم (۱۳۸۴). *قصص الانبیا*، ترجمه محمد بن اسعد بن عبدالله حنفی تستری، تصحیح سیدعباس محمدزاده، مشهد: مؤسسه دانشگاه فردوسی مشهد.

بهار، محمدتقی (۱۳۳۴). *تاریخ تطور شعر فارسی*، به کوشش تقی بیفش، تهران: باستان.

بهرام پژدو، زرتشت (۱۳۴۳). *ارداویراف‌نامه منظوم*، تصحیح رحیم عقیفی، مشهد: دانشگاه مشهد.

بیدوندی، رشیدالدین محمد (۱۳۸۰). *مثنوی المصباح*، در محبت، فنا، و نیاز، تصحیح جواد حامدی حق، تهران: شریف.

بیغمی، محمد بن احمد (۱۳۳۹). *داراب‌نامه*، تصحیح ذبیح‌الله صفا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۴۸ سیر داستان‌های درونه‌ای در ادبیات فارسی تا پایان قرن نهم

- بیغمی، محمد بن احمد (۱۳۸۸). *فیروزشاه‌نامه (ذنبالہ داراب‌نامه)*، تصحیح ایرج افشار و مهران افشاری، تهران: چشمه.
- بیهقی، ابوالفضل (۱۳۸۳). *تاریخ بیهقی*، تصحیح علی‌اکبر فیاض، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- پند پیران (۱۳۵۷). *تصحیح جلال متینی*، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- تبریزی، شمس‌الدین محمد (۱۳۵۶). *مقالات شمس تبریزی*، به تصحیح محمدعلی موحد، تهران: انتشارات علمی دانشگاه صنعتی.
- ترکه اصفهانی، صائن‌الدین علی بن محمد (۱۳۷۵). *عقل و عشق (مناظرات خمس)*، تصحیح اکرم جودی نعمتی، تهران: میراث مکتوب.
- ترکمان فراهی، برخوردار بن محمود (۱۳۳۶). *شمسه و قهقهه (محبوب القلوب)*، تهران: امیرکبیر.
- توکلی، حمیدرضا (۱۳۸۹). *از اشارت‌های دریا، بوطیقای روایت در مثنوی*، تهران: مروارید.
- جام نامقی (ژنده‌پیل)، احمد (۱۳۴۷). *مفتاح النجات*، تصحیح علی‌فاضل، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- جام نامقی (ژنده‌پیل)، احمد (۱۳۵۰). *انس التائبین و صراط الله المبین*، تصحیح علی‌فاضل، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- جام نامقی (ژنده‌پیل)، احمد (۱۳۸۷). *کنوز الحکمه*، تصحیح علی‌فاضل، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- جام نامقی (ژنده‌پیل)، احمد (۱۳۸۹). *بحار الحقیقه*، به تصحیح حسن نصیری جامی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- جام نامقی (ژنده‌پیل)، احمد (۱۳۸۹). *سراج السائرین*، تصحیح حسن نصیری جامی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- جامی، نورالدین عبدالرحمان بن احمد (۱۳۳۷). *مثنوی هفت اورنگ*، تصحیح آقامرترضی مدرس گیلانی، تهران: سعدی.
- جامی، نورالدین عبدالرحمان بن احمد (۱۳۶۷). *بهارستان*، تصحیح اسماعیل حاکمی، تهران: اطلاعات.
- جعفری (قنواتی)، محمد (۱۳۸۷). *دو روایت از سلیم جواهری*، تهران: مازیار.
- جلابی هجویری غزنوی، ابی‌الحسن علی بن عثمان بن ابی‌علی (۱۳۶۳). *کشف المحجوب*، تصحیح والتسین ژوکوفسکی، [بی‌جا].
- حسینی، محمد (۱۳۸۲). *ریخت‌شناسی قصه‌های قرآن*، تهران: ققنوس.
- حکیم زجاجی (۱۳۸۳). *همایون‌نامه*، تصحیح علی‌پیرنیا، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- خراسانی، ابن عماد (۱۳۱۴). *روضه‌المحبین (ده‌نامه)*، تهران: سپهر.
- خطیبی، حسین (۱۳۶۶). *فن نثر در ادب پارسی*، تهران: زوار.
- خواجوی کرمانی (۱۳۷۰). *خمسه‌خواجوی کرمانی*، تصحیح سعید نیاز کرمانی، کرمان: دانشگاه شهید باهنر.
- خواجوی کرمانی (۱۳۸۶). *سام‌نامه*، تصحیح میترا مهرآبادی، تهران: دنیای کتاب.
- خوارزمی، کمال‌الدین حسین (۱۳۶۰). *بینوع الاسرار فی نصائح الابرار*، تصحیح مهدی درخشانی، تهران: انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی.

خوسفی، ابن حسام (بی تا). *خاورنامه*، شامل جنگ‌های مولای متقیان علیه السلام و ... [بی جا]: محمدحسن علمی.

دزفولیان، کاظم (۱۳۹۰). *فهرست‌واره تاریخ ادبیات ایران*، تهران: طلایه.

دقایقی مروزی، شمس‌الدین محمد (۱۳۴۵). *راحة الارواح فی سرور المفراح (بختیارنامه)*، تصحیح ذبیح‌الله صفا، تهران: دانشگاه تهران.

دوبرو، هدر (۱۳۸۹). *ژانر، ترجمه فرزانه طاهری*، تهران: مرکز.

دهستانی، حسین بن اسعد (۱۳۸۸). *فرح بعد از شدت*، تصحیح محمد قاسم‌زاده، تهران: نیلوفر.

دهلوی، امیرخسرو (۱۳۶۲). *خمسه امیرخسرو دهلوی*، تصحیح امیراحمد اشرفی، تهران: شقایق.

دهلوی، امیرخسرو (بی تا). *چهار درویش*، لاهور: اسلامیه.

رامی، شرف‌الدین محمد بن حسن (۱۳۷۶). *انیس العشاق و چند اثر دیگر*، به اهتمام محسن کیانی (میرا)، تهران: روزنه.

ربیع (۱۳۸۹). *علی‌نامه*، تصحیح رضا بیات و ابوالفضل غلامی، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.

رسایل جوان‌مردان، مشتمل بر هفت فتوت‌نامه (۱۳۵۲). تصحیح مرتضی صراف، تهران: قسمت ایران‌شناسی انستیتوی فرانسوی پژوهش‌های علمی در ایران.

رضازاده شفق، صادق (۱۳۱۳). *تاریخ ادبیات ایران*، تهران: علی‌اکبر سلیمی.

ریپکا، یان (۱۳۶۴). *ادبیات ایران در زمان سلجوقیان و مغولان*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستر.

زرقانی، مهدی (۱۳۸۸). *تاریخ ادبی ایران و قلمرو زبان فارسی: تطور و دگرگونی ژانرها تا میانه سده پنجم*، تهران: سخن.

زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۳). *از گذشته ادبی ایران*، تهران: سخن.

زنگی بخاری، محمد (۱۳۷۲). *زنگی‌نامه*، تصحیح ایرج افشار، تهران: توس.

زنگی بخاری، محمد (۱۳۷۴). *بستان العقول فی ترجمان المنقول*، تصحیح محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

ساوجی، سلمان بن محمد (۱۳۴۸). *مثنوی جمشید و خورشید*، به تصحیح ج. پ. آسموسن و فریدون وهمن، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

سعدی، مصلح‌الدین (۱۳۸۵). *کلیات سعدی*، تصحیح محمدعلی فروغی، تهران: هرمس.

سلطان‌ولد (۱۳۶۷). *معارف*، کوشش نجیب‌مایل هروی، تهران: مولی.

سلطان‌ولد (۱۳۶۶). *ولنامه*، تصحیح جلال‌الدین همایی، تهران: هما.

سمنانی، احمد بن محمود علاء‌الدوله (۱۳۶۲). *العروة لاهل الخلوۃ والجلوۃ*، تصحیح نجیب‌مایل هروی، تهران: مولی.

سمنانی، احمد بن محمود علاء‌الدوله (۱۳۶۹). *مصنفات فارسی*، تصحیح نجیب‌مایل هروی، تهران: علمی و فرهنگی.

سنایی غزنوی، ابوالمجدود بن آدم (۱۳۷۴). *حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه*، تصحیح مدرس رضوی، تهران: دانشگاه تهران.

۵۰ سیر داستان‌های درونه‌ای در ادبیات فارسی تا پایان قرن نهم

- سنجری دهلوی، حسن (۱۳۵۲). *دیوان حسن سنجری دهلوی*، تصحیح مسعودعلی محوی، دکن: ابراهیمیه حیدرآباد.
- سهروردی، شهاب‌الدین یحیی (۱۳۴۸). *مجموعه آثار فارسی شیخ اشراق*، مجموعه مصنفات سهروردی، تصحیح سیدحسین نصر، ج ۳، تهران: قسمت ایران‌شناسی انستیتوی فرانسوی پژوهش‌های علمی در ایران.
- سیستانی، امیراقبال (۱۳۵۸). *چهل مجلس شیخ علاءالدوله سمنانی*، تصحیح عبدالرفیع حقیقت، (بی‌جا): شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- شجاع (۱۳۵۰). *انیس الناس*، تصحیح ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۵۲). «انواع ادبی و شعر فارسی»، خرد و کوشش، ش ۱۱ و ۱۲.
- شمس (۱۳۶۸). *فرانده السلوک*، تصحیح نورانی وصال و غلامرضا افراسیابی، تهران: پازنگ.
- شیعی سبزواری، ابوسعید حسن بن حسین (۱۳۴۷). *مصاییح القلوب*، تصحیح محمد سپهری، تهران: میراث مکتوب.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۴۷). *نثر فارسی از آغاز تا عهد نظام‌الملک طوسی*، تهران: ابن‌سینا.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۹). *تاریخ ادبیات در ایران*، تهران: امیرکبیر.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۴). *حماسه‌سرایی در ایران*، تهران: فردوسی.
- طرسوسی، ابوطاهر بن علی بن حسین (۱۳۷۴). *داران‌نامه*، تصحیح ذبیح‌الله صفا، تهران: علمی و فرهنگی.
- طرسوسی، ابوطاهر بن علی بن حسین (۱۳۸۰). *ابومسلم‌نامه*، تصحیح حسین اسماعیلی، تهران: معین، قطره و انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران.
- طرسوسی، ابوطاهر بن علی بن حسین (بی‌تا). *ابومسلم‌نامه*، تصحیح اقبال یغمایی، تهران: گوتنبرگ.
- طوسی، خواجه نظام‌الملک (۱۳۶۴). *سیاست‌نامه (سیرالملوک)*، تصحیح جعفر شعار، تهران: چاپ‌خانه سپهر.
- طوسی، محمد بن محمود بن احمد (۱۳۸۲). *عجایب المخلوقات*، به اهتمام منوچهر ستوده، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ظهیری سمرقندی، محمد بن علی بن محمد (۱۹۴۸). *سندبادنامه*، تصحیح احمد آتش، استانبول: وزارت فرهنگ.
- عارف اردبیلی (۱۳۵۵). *فرهادنامه*، تصحیح عبدالرضا آذر، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- عجائب البخت (۱۳۴۷). *تصحیح ذبیح‌الله صفا*، تهران: دانشگاه تهران.
- عراقی، فخرالدین ابراهیم (۱۳۳۵). *کلیات شیخ فخرالدین ابراهیم همدانی متخلص به عراقی*، تصحیح سعید نفیسی، تهران: سنایی.
- عصار تبریزی، شمس‌الدین محمد (۱۳۷۵). *مهر و مشتری*، تصحیح رضا مصطفوی سبزواری، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- عضد یزدی (۱۳۸۱). *سندبادنامه منظوم*، تصحیح محمدجعفر محجوب، تهران: توس.
- عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین (۱۳۱۲). *بلبل‌نامه*، [بی‌جا]: محمد مهدی قاضی سعیدی.
- عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین (۱۳۴۵). *مظهرالعجایب*، تصحیح احمد خوشنویس، تهران: سنایی.

- عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین (۱۳۵۵). *خسرونامه*، تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران: زوار.
- عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین (۱۳۷۶). *مجموعه‌ای از آثار شیخ فریدالدین عطار نیشابوری*، تصحیح احمد خوشنویس، تهران: سنایی.
- عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین (۱۳۸۳). *جوهر الذات*، تصحیح تیمور برهان لیمودهی، تهران: سنایی.
- عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین (۱۳۸۴). *الهی‌نامه، پندنامه، و اسرارنامه*، تهران: دُر.
- عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین (۱۳۸۶). *مصیبت‌نامه*، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن.
- عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین (۱۳۸۸). *منطق الطیر*، تصحیح رضا انزابی نژاد و سعیدالله قره‌بگلو، تبریز: آیدین.
- عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین [بی‌تا]. *اشترنامه*، به کوشش مهدی محقق، [بی‌جا]: انجمن آثار ملی.
- عطایی رازی (خواجه عمید عطاء بن یعقوب) (۱۳۸۲). *برزنامه*، تصحیح محمد دبیرسیاقی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- عنصرالمعالی، کیکاووس بن اسکندر (۱۳۴۲). *قابوس‌نامه (نصیحت‌نامه)*، تصحیح امین عبدالمجید هروی، تهران: ابن‌سینا.
- عوفی، سدیدالدین محمد (۱۳۵۲). *جوامع الحکایات و لوامع الروایات*، جلد اول از قسم سوم، تصحیح بانو مصفا (کریمی)، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- عیوقی (۱۳۴۳). *ورقه و گلشاه*، تصحیح ذبیح‌الله صفا، تهران: دانشگاه تهران.
- غزالی، محمد (۱۳۶۱). *کیمیای سعادت*، تصحیح حسین خدیوجم، تهران: علمی و فرهنگی.
- غلامرضایی، محمد (۱۳۸۸). *سبک‌شناسی نثرهای صوفیانه: از اوایل قرن پنجم تا اوایل قرن هشتم*، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- فاضل، علی (۱۳۷۳). *شرح احوال و نقد و تحلیل آثار احمد جام*، تهران: توس.
- فتاحی نیشابوری (۱۳۸۶). *حسن و دل*، تصحیح حسن ذوالفقاری و پرویز ارسطو، تهران: چشمه.
- فخر مدبر، محمد بن منصور (۱۳۴۶). *آداب الحرب و الشجاعة*، تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران: اقبال.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۶۹). *یوسف و زلیخا*، به اهتمام حسین محمدزاده صدیق، تهران: آفرینش.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۲). *شاهنامه*، بر اساس چاپ مسکو، تهران: هرمس.
- فروزانفر، بدیع‌الزمان (۱۳۵۰). *سخن و سخنوران*، تهران: خوارزمی.
- فروزانفر، بدیع‌الزمان (۱۳۸۳). *تاریخ ادبیات ایران (بعد از اسلام تا پایان تیموریان)*، به کوشش عنایت‌الله مجیدی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
- قانع‌ی طوسی، احمد (۱۳۵۸). *کلیله و دمنه منظوم*، تصحیح ماگالی تودوا، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- قصه حمزه (۱۳۴۷). *تصحیح جعفر شعار*، تهران: دانشگاه تهران.
- قصص الانبیا (۱۳۶۳). *تصحیح فریدون تقی‌زاده طوسی*، مشهد: باران.
- قمی، خواجه مسعود (۱۳۶۹). *یوسف و زلیخا و شمس و قمر*، تصحیح سیدعلی آل‌داود، تهران: آفرینش.
- قیام مختار ثقفی (مختارنامه) (۱۳۶۸). *تصحیح محمد چنگیزی*، تهران: رجا.

- کرمانی، خواجه عمادالدین بن فقیه (۱۳۷۴). *طریقت‌نامه*، تصحیح رکن‌الدین همایون فرخ، تهران: اساطیر.
- کک کوهزاد (۱۳۸۳). تصحیح احمد ابومحبوب، تهران: نغمه زندگی.
- گلادزه، اینگا (۱۳۵۸). «داستان‌های رمان‌مانند در زبان فارسی»، *آینده*، ش ۴، ۵، و ۶.
- گیلانی، عبدالقادر (۱۳۷۶). *جلاء الخاطر*، تصحیح شیخ محمد کسنزانی، سنندج: کردستان.
- لمعة السراج لحضرة التاج (بختیارنامه)* (۱۳۴۸). تصحیح محمد روشن، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- مجد خوافی (۱۳۸۹). *روضه خلد*، تصحیح عباسعلی وفاپی، تهران: سخن.
- محبوب، محمدجعفر (۱۳۴۲). «مثنوی‌سرایی در زبان فارسی تا پایان قرن پنجم هجری»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز*، ش ۶۶.
- مختاری غزنی، عثمان (۱۳۷۷). *شهریارنامه*، به کوشش غلامحسین بیگدلی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مستملی بخاری، ابوابراهیم اسماعیل بن محمد (۱۳۶۲). *شرح التعرف لمذهب التصوف*، تصحیح محمد روشن، تهران: اساطیر.
- معینی جوینی [بی‌تا]. *نگارستان*، موجود در مخزن مخطوطات کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۸۴۱۴.
- مکتبی شیرازی (۱۳۸۹). *لیلی و مجنون*، به کوشش حسن ذوالفقاری و پرویز ارسطو، تهران: چشمه.
- ملطیوی، محمد بن غازی (۱۳۵۱). *برید السعادة*، به کوشش محمد شیروانی، تهران: دانشگاه تهران.
- ملطیوی، محمد بن غازی (۱۳۸۳). *روضه العقول*، تصحیح جلیل نظری، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد گچساران.
- منتخب رونق‌المجالس و بستان‌العارفین و تحفة المریدین (۱۳۵۴). تصحیح احمدعلی رجایی، تهران: دانشگاه تهران.
- منشی، ابوالمعالی نصرالله (۱۳۷۴). *کلیله و دمنه*، تصحیح محمد روشن، تهران: اشرفی.
- مورینسن، جرج و دیگران (۱۳۸۰). *تاریخ ادبیات ایران از آغاز تا امروز*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره.
- مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد (۱۳۷۸). *مثنوی معنوی*، تصحیح ناهید فرشادمهر، تهران: محمد.
- مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد (۱۳۷۹). *مکتوبات و مجالس سبعه*، با مقدمه جواد سلماسی‌زاده، تهران: اقبال.
- مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد (۱۳۸۶). *فیه ما فیه*، تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران: زوار.
- میرصادقی، جمال (۱۳۶۶). *ادبیات داستانی: قصه، داستان کوتاه، رمان*، تهران: شفا.
- نخشی، ضیاء (۱۹۱۲). *حکایت معصوم‌شاه*، شماره ثبت در کتابخانه آستان قدس رضوی: ۲۰۵۲۶، کلکته: [بی‌تا].
- نخشی، ضیاء‌الدین (۱۳۶۹). *سلک السلوک*، تصحیح غلامعلی آریا، تهران: زوار.
- نخشی، ضیاء‌الدین (۱۳۷۲). *طوطی‌نامه*، تصحیح فتح‌الله مجتبابی و غلامعلی آریا، تهران: منوچهری.
- نزل‌آبادی، محمد (۱۳۸۲). *مثنوی جمال و جلال*، تصحیح شکوفه قبادی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- نظام تبریزی (شامی)، علی بن محمد (۱۳۸۱). *بلوهر و ببوسف*، تصحیح محمد روشن، تهران: میراث مکتوب.

- نظامی عروضی سمرقندی، احمد بن عمر (۱۳۸۸). *چهار مقاله و تعلیقات*، تصحیح محمد معین، تهران: صدای معاصر.
- نظامی گنجوی، نظام‌الدین الیاس (۱۳۸۷). *خمسۀ نظامی* (بر اساس چاپ آکادمی علوم آذربایجان)، تهران: هرمس.
- نوری، عماد بن محمد (۱۳۵۲). *طوطی‌نامه: جواهر الاسمار*، تصحیح شمس‌الدین آل احمد، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- نیشابوری، ابواسحاق ابراهیم بن منصور بن خلف (۱۳۴۰). *قصص الانبیاء*، به اهتمام حبیب یغمائی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- نیشابوری، رضی‌الدین ابوجعفر محمد (۱۳۴۱). *مکارم اخلاق (در دو رساله در اخلاق)*، تصحیح محمد تقی دانش‌پژوه، تهران: دانشگاه تهران.
- واعظ کاشفی سبزواری، حسین (۱۳۳۶). *انوار سهیلی*، تهران: امیرکبیر.
- واعظ کاشفی سبزواری، حسین (۱۳۵۸). *اخلاق محسنی*، تهران: کتاب‌خانه علمیۀ حامدی.
- وراوینی، سعدالدین (۱۳۷۶). *مرزبان‌نامه*، تصحیح محمد روشن، تهران: اساطیر.
- هزار حکایت صوفیان (۱۳۸۹). تصحیح حامد خاتمی‌پور، تهران: سخن.
- هفت کشور و سفرهای ابن تراب (۱۳۸۶). تصحیح ایرج افشار و مهراں افشاری، تهران: چشمه.
- همایون‌فرخ، رکن‌الدین (۱۳۷۰). *تاریخ هشت هزار سال شعر ایرانی*، تهران: علمی.
- همایی، جلال [بنی تا]. *تاریخ ادبیات ایران*، مشتمل بر تاریخ ادبیات ایران از ازمئه قدیم تاریخی تا حمله مغول، ج ۱ و ۲، تهران: فروغی.
- همدانی، محمد بن محمود (۱۳۷۵). *عجایب‌نامه*، تهران: مرکز.

Nells, William (1997). *Frame works: Narrative Levels and Embedded Narrative*, New York: Peter Lang.

Prince, Gerald (2003). *Dictionary of Narratology*, Revised version, University of Nebraska Press: Lincoln and London.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی